

رابطه بین تصور از بدن و فرآیند جهانی‌شدن

مطالعه موردی: زنان شهرهای تهران، شیراز و استهبان

بیژن خواجه نوری و علی اصغر مقدس

گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

چکیده

هدف این مطالعه بررسی رابطه جهانی‌شدن و تصور بدن بوده است. مطالعه شامل ۲۲۰۰ زن در شهرهای تهران، شیراز و استهبان است. در ابتدا مطالعات انجام شده را بررسی کرده و سپس با استفاده از نظریه‌ای ترکیبی که عمدتاً مبتنی بر آراء گیدنز و سپس رابرتسون و همچنین پژوهش‌های پیشین بوده است، ۹ فرضیه به آزمون گذاشته شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات روش پیمایشی بکار گرفته شد. با استفاده از پرسشنامه و مقیاس تصور بدن داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شدند. شیوه نمونه‌گیری مطالعه تصادفی نظام‌مند بوده است. یافته‌های تحقیق نشان دهنده آن است که مدل نهایی تحقیق به ترتیب با استفاده از شش متغیر نوگرایی، آگاهی نسبت به جهانی‌شدن، شیوه زندگی، گفتگو در خانواده، سرمایه فرهنگی و وضعیت تأهل نزدیک به ۴۰ درصد از تغییرات تصور بدن در زنان شهرهای تهران، شیراز و استهبان را تبیین می‌کند. واژه‌های کلیدی: زنان، تصور بدن، جهانی‌شدن، نوگرایی، بازاندیشی.

An Investigation of Relationship between Globalization and Body Image Case Study: Tehran, Shiraz & Estahban

B. Khajehnoori and A. A. Moghaddas
Sociology Department , Shiraz University

Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship of Globalization and body image of women in Tehran, Shiraz and Estahban. The Sample of the study consisted of 2200 women in these cities. After reviewing local and international literature, we examined 9 hypotheses that drawing from synthesized theoretical framework with regard to Giddens theory and past researches.

The research methodology was a survey. The data was collected by using a questionnaire and a scale for body image. All women of these cities selected systematically at random. The results showed that Modernity, Awareness about Globalization, Life style, negotiation in family, Cultural Capital and Marriage Status on the whole could explain about 40 percent of women's body image.

Keywords: Women; Body image; Globalization; Modernity; Reflexivity

مقدمه

فرهنگی جذابیت جسمانی، روبرو هستند. مسائل مربوط

به تصور بدن بطور سنتی از دلمشغولی‌های زنان بوده

است (Cash, Counts & Huffine; dwyer,)

Feldman, & Mayer, 1967; Lossemoore, Mable, & Galgan, 1989; strigle-Moore & (Silberstein, 1985).

گوناگونی‌های فرهنگی در اندازه‌های بدن قابل قبول

و تصور بدن مرتبط با آن، این ایده را به ذهن متبادر

می‌سازد که نفوذهای اجتماعی تأثیری قوی بر توسعه و

گسترش عدم رضایت از بدن دارند (Bohne et al.,)

Joliot, 2001; 2002). در میان همه نفوذهای

اجتماعی ممکن، رسانه‌ها، گروه‌های همسالان و خانواده

بیشترین و قوی‌ترین پیشین‌ها در نارضایی از بدن به

شمار می‌روند (Rieves & Cash, 1996;)

(Tsiantas & King, 2001).

در هر حال تعداد کمی از مطالعات هستند که در

یک بستر وسیع‌تر و در رابطه با فرآیندهای وسیع جهانی،

تصور بدن را مورد مطالعه قرار داده باشند. ایده‌ها و

تصویرهای فراملی برجستگی‌های روانشناختی مهمی

برای زنان و جوانان ساکن در اجتماعات محلی دارند.

تصور بدن پدیده پیچیده‌ای است که شامل

مؤلفه‌های فیزیولوژیک، روانشناختی و جامعه‌شناختی

می‌شود. در سالهای اخیر رشد فزاینده‌ای در پژوهش‌های

در مورد تصور از بدن¹ انجام شده است (Garner &)

Garfinkel: 1980; Garner & Kearney-

Cooke, 1996; Garner, Garfinkel,

Schwartz, & Thompson, 1980; Johnson,

Brems, & Fischer, 1996; Wiseman, Gray,

(.Mosimann, & Ahrens, 1992).

این مفهوم در دهه‌های اخیر بسیار مورد نقد و

بررسی قرار گرفته است. هنگام صحبت از این مفهوم

بیشتر به ناخشنودی افراد از وضعیت جسمانی‌شان توجه

می‌شود. بنابراین کمتر به توصیف افرادی پرداخته می‌شود

که از وضعیت جسمانی خود رضایت دارند. همچنین

بیشتر بر جوانان و زنانی تمرکز می‌شود که از وضعیت

جسمانی خود نارضایی و سعی در تغییر در تمام یا برخی

از قسمت‌های اندام خود دارند. البته در جوامع کنونی

تعداد فزاینده‌ای از مردان را نیز می‌توان دید که با ایده

1 - Self-image.

مواد فرافرهنگی می‌تواند نقش برجسته‌ای در تغییر ساخت‌های روانشناختی مردم ساکن در کشورهای مختلف ایجاد نماید. تصور بدنی لاغر به عنوان یک سازه در چنین وضعیتی می‌تواند در جهانی که بطور فزاینده به هم پیوند می‌خورد و روابط آن در سطحی جهانی تشدید می‌شود، برجسته گردد (Anderson – Fye, 2003).

از آنجا که حساسیت زیاد بر روی تصور بدن می‌تواند مشکلات فراوانی همچون بی‌نظمی در تغذیه، کاهش اعتماد به نفس و مانند آنها را برای مردان و زنان و جوانان بوجود آورد، لذا برنامه‌های مختلفی می‌توان جهت کاهش تأثیرات نامطلوب این پدیده تدارک دید. اما بهبود این برنامه‌ها و اثر گذار بودن آنها منوط به آن است که مطالعات دقیق و همه جانبه بر روی عوامل تأثیرگذاری صورت گیرد که توسعه تصور بدن را شکل می‌دهند و بطور بالقوه می‌توانند در نگرش‌های بیمارگونه در باره بدن مشارکت داشته باشند. هدف این مقاله بررسی رابطه بین فرآیند جهانی شدن و تصور بدن است. از آنجا که این فرآیند تمامی کشورها را کم و بیش تحت تأثیر قرار داده و ابعاد مختلف زندگی اجتماعی افراد متأثر از نفوذ فزاینده آن بخصوص در بُعد فرهنگی آن است، این مطالعه می‌تواند به مطالعات عمیق‌تر در این حوزه از مطالعات علوم اجتماعی در ایران کمک نماید.

مروری بر آثار دیگران

مطالعات در مورد بدن یکی از حوزه‌های جدید در جامعه‌شناسی است و موضوع تصور بدن از موضوعات

مهم در جامعه‌شناسی جوانان و زنان می‌باشد. در ایران مطالعه بر روی پدیده بدن عمدتاً در حوزه پزشکی انجام گرفته و در حوزه‌های دیگر مطالعه چندانی صورت نگرفته است. بهرام و شفیع‌ی در مطالعه خود به بررسی تأثیر شرکت منظم در فعالیت‌های جسمانی بر تصور بدن در بین دو گروه به لحاظ جسمانی فعال و غیر فعال پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه معناداری بین جنسیت و حضور در گروه با تصور بدن وجود دارد. همچنین تصور بدن با درصد چاقی دارای رابطه معکوس بوده است. از سوی دیگر نگرش نسبت به بدن از توانایی و اندازه جسمانی نشئت می‌گیرد.

در نهایت مردان فعال بیش از زنان فعال تصور مثبتی از بدن خود داشته‌اند (Bahram & Shafizadeh, 2006). ستوده و همکارانش در مطالعه خود دریافتند که درک زنان از عقیده شوهرانشان نسبت به وزنشان و همچنین محل سکونت بر روی تصور زنان از بدنشان اثر می‌گذارد (Sotoudeh et al., 2008). آزاد ارمکی و چاوشیان تحت عنوان "بدن به مثابه رسانه هویت" انجام شده و به بررسی رابطه مدیریت بدن و متغیرهای فرهنگی پرداخته‌اند بر روی ۸۲۵ زن و مرد بالای ۱۸ سال ساکن تهران انجام داده‌اند.

مطالعه فوق نشان داده است که متغیرهای جنس، سن، تحصیلات، سرمایه فرهنگی، دیانت و نگرش سنتی به خانواده با مدیریت بدن رابطه داشته‌اند اما متغیرهای ساختاری مانند پایگاه اجتماعی و اقتصادی، سرمایه اقتصادی و شغل رابطه معناداری نشان داده‌اند.

نوع تلقی فرهنگ سفیدپوستان در جامعه فیجی رخنه کرده و موجب بی‌نظمی غذا خوردن در دختران جوان شده است (Hesse-Biber et al., 2004).

کاترمن و لی نیز در مطالعه خود با اشاره‌ای مختصر به جهانی شدن بر این باورند که فشارهای زیادی برای هم‌نمایی زنان با ایده‌ها و تصویرهای جدید زنانگی وجود دارد و ناکامی منتج از فرصت‌های کاذب در ادبیات فرا فرهنگی^۱ مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

در این ادبیات فرا فرهنگی، جهانی شدن و تحرک فراینده بطور موازی موجب اختلال تغذیه در کشورهای غربی و غیر غربی و همچنین گروه‌های قومی و اجتماعی - اقتصادی شده‌اند (Katzman & Lee, 1997).

یافته‌های هوارث هوانر نشان می‌دهد که محیط بحرانی در خانوادگی، کنترل قهرآمیز والدین^۲، و گفتمان مسلط بر وزن در خانواده، شرایط مهمی هستند و پیکره‌بندی خاص‌شان در رابطه با مفهوم‌سازی‌های نظری جاری با توجه به تأثیرات فرهنگ و خانواده در تولید اختلالات تغذیه مؤثرند (Haworth-Hoepfner, 2000).

مطالعه لوینستون و همکارانش نشان می‌دهد که جنسیت و نژاد در تصویر بدن در میان نوجوانان مؤثرند. اما آنها بر این باورند که ارزیابی والدین نقش مهم‌تری در تصویر بدن در بین فرزندان و بویژه در بین دخترها دارد.

در خارج از ایران تاکنون پژوهش‌های فراوانی بر روی بدن و ابعاد آن در حوزه‌های گوناگون انجام گرفته است. اما مطالعه بر روی رابطه و نقش فرآیند جهانی شدن بر تصور بدن تا آنجا که جستجوهای رایانه‌ای در پایگاه‌های علمی متعدد انجام شده است، از تعداد بسیار محدودی برخوردار می‌باشد. در اینجا به برخی از مطالعات خارجی در حوزه مطالعه تصور بدن از منظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی می‌پردازیم.

سوامی و همکارانش در مطالعه‌شان بر روی تعدادی زن و مرد انگلیسی بالغ به این نتیجه رسیده‌اند که تحصیلات رابطه معنی‌دار مثبتی با تصور از بدن داشته است اما استفاده از رسانه‌ها رابطه معنی‌دار معکوسی داشته است (Swami, et al., 2008).

خورشید و همکارانش در مطالعه خود بر روی تصور بدن در میان زنان ترکی که به مرحله یائسگی رسیده‌اند، بین متغیرهای سن، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات، محل سکونت، درآمد ماهانه، تعداد فرزندان، بیرون آوردن رحم و نهایتاً معالجه از طریق هورمون و تصور از بدن رابطه معنی‌دار پیدا نکرده‌اند (Khorshid et al., 2007).

بوتا در مطالعه خود به این نتیجه رسیده است که مطالعه مجلات و مقایسه‌های اجتماعی از عوامل مؤثر در تصور بدن و اختلالات غذایی می‌باشد (Botta, 2003). هس بیبر و همکارانش در مطالعه خود اشاره مختصری به تأثیر جهانی شدن فرهنگ در بی‌نظمی غذا خوردن فیجی داشته و بر این باورند که معنای زیبایی از

1 - Transcultural.

2 - Coercive parentl control.

(1996) نیز در مطالعات خود بر نقش رسانه‌ها تأکید نموده‌اند.

دیدگاه‌های نظری تصور بدن

بطور کلی دو دیدگاه مسلط را می‌توان در مباحث بدن مشاهده نمود. اولین دیدگاه تأکید بر تأثیرات فرهنگ دارد و دیدگاه دوم بر خانواده تأکید می‌ورزد. هواداران تأثیر فرهنگی به نرخ بسیار شایع بی‌نظمی در غذا خوردن از قبیل بی‌اشتهایی^۱ یا پرخوری^۲ در فرهنگ غرب، در میان سفید پوستان و بویژه در میان زنان استناد می‌کنند (Haworth-Hoepfner, 2000).

آنها به تعداد بی‌تناسب زنان اشاره دارند که ارزش زیادی به باریکی یا لاغری^۳ اندام می‌دهند (le Grange, 1992; Tibbs, & Noakes, 1994). بعلاوه، بر قدرت استانداردهای فرهنگی زیبایی نیز تأکید می‌شود که به لاغری به عنوان خصیصه کلیدی هویت زنانه تأکید می‌ورزند (Steiner-adair, 1986).

بنابر این زنانی هم که دچار بی‌نظمی غذایی نیستند از وضعیت بدن خود شکایت دارند (Cohn & Adler, 1992; Davies & Furnham, 1986; Pliner, Chaiken, & Flett, 1990; Turner, Hamilton, & Jacobs, Angood, & Hove Dwyer, 1997) و این عدم رضایت است که می‌توان به "ناخشنودی

در نهایت آنها بیان می‌کنند که موقعیت اجتماعی و دیگران مهم بر دیدگاه نوجوانان نسبت به خودشان اثر مهمی دارد (Levinson et al., 1986).

گلایز در مطالعه خود بر این باور است که زنان نیاز روانشناختی قوی برای حفظ و تعقیب زیبایی و ارتقاء جذابیت خود دارند. آنها در مقایسه با مردان نسبت به تصویر بدن حساس‌تر هستند. به باور وی این وضعیت در فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف یکسان است، و ایده‌های خاص در باره جذابیت در این فرهنگ‌ها وجود دارند. همچنین این ایده‌آل‌ها در طول زمان تغییر می‌کنند.

وی با تمرکز بر جامعه آمریکا مدعی است که در طول پنجاه سال گذشته ایده زیبایی، استاندارد لاغرتر بودن را برای بدن زنانه دیکته کرده است (Glazer, 1992). آرچیبالد و همکارانش (Archibald et al., 1999)، آتی و بروکز-گان (Attie & Brooks, 1989) نیز در مطالعات خود بر نقش و نفوذ خانواده و بویژه مادران بر تصور بدن دختران تأکید کرده‌اند. گارنر و همکارانش بر این باورند که رسانه‌ها تأثیر مهمی بر تصور بدن در میان زنان دارند و تصویر بدنی لاغر را ترویج می‌دهند (Garner et al., 1980).

ویزمن و همکارانش نیز در مطالعه خود بر نقش برخی از مجلات آمریکایی در تغییر در تصور بدن جوانان آمریکایی تأکید نمودند (Wiseman et al., 1992). نمروف و همکارانش (Nemeroff et al., 1994) و همچنین پتری و همکارانش (Petrie et al., 1994)

1 - Anorexia.

2 - Bulimia

3 - Slenderness.

Schupak-Neuberg, Shaw & Stein, 1994: 839). به باور آنها لاغری ایده‌آلی که توسط رسانه‌ها به تصویر کشیده می‌شود با آسیب‌شناسی غذا خوردن ارتباط دارد. به باور آنها این امکان وجود دارد که زنها به طور مستقیم الگوی رفتاری غذا خوردن نامنظم² را بسازند. این رویکرد به فرهنگ، وجود مجموعه‌ای اساسی از ارزشهای همگون در نظر می‌گیرد که تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر رفتار افراد دارند.

چنین تحلیل‌هایی به وضوح طرحواره‌هایی از نوع ابزار - اهداف هستند که در آنها فرهنگ به عنوان محرک اصلی کنش مطرح می‌شود (Haworth-Hoeppner, 2000: 213). بلومر بر این باور است که در این دیدگاه فرض می‌شود که اجماعی فرهنگی وجود دارد که به خودی خود هیچ موجبتی ندارد. سویدلر نیز با بلومر هم رأی است و بر این باور است که چنین دیدگاهی از فرهنگ اساساً گمراه‌کننده است (Swidler, 1986: 277). به نظر وی فرهنگ یک نظام یکپارچه نیست که کنش را در جهت منسجم و سازگار پیش برد. فرهنگ بیشتر مانند یک جعبه ابزار³ است که کنشگران از آن قطعات متفاوتی در راستای ساختن کنش انتخاب می‌کنند.

دیدگاه کنش متقابل‌گرا

برای کنش متقابل‌گرایان فرهنگ از خلال تعامل افراد با یکدیگر فراهم می‌شود. همچنین انواع منابع

هنجاری¹ تعبیر شود (Rodin, Silberstein, & Striegel-Moore, 1985).

طرفداران دیدگاه خانواده به این مسئله بسنده می‌کنند که افراد تصور بدن بهنجار یا نابهنجاری را در متن زندگی خانوادگی می‌پرورند. بنابر این، به نظر آنها تأثیرات خانواده در کانون تحقیق در مورد تغذیه و بدن قرار می‌گیرد. در اینجا ما نخست نظریه‌های فرهنگی را مورد مطالعه قرار می‌هیم که در آن تأکید بر "فرهنگ به عنوان کنش" است.

سپس به دیدگاه کنش متقابلی توجه می‌کنیم که مفهوم هویت را به عنوان فرآیندی گروهی در نظر می‌گیرند.

دیدگاه فرهنگی

در این دیدگاه فرهنگ به عنوان عاملی مطرح می‌شود که تأثیری مستقل و علی در توسعه بی‌اشتهایی یا پرخوری دارد. در اینجا تلویحاً فرهنگ را به عنوان نظامی از کنش مطرح می‌شود. به بیان دیگر فرهنگ اهداف یا ارزشهای غایی را فراهم می‌سازد که به کنش هدایت می‌کنند. بنابر این ارزش‌ها عنصر اساسی فرهنگ می‌باشند (Swidler, 1986: 273).

ما می‌توانیم کاربرد نظری این دیدگاه را در مطالعه استریس و دیگران در مروری بر پیشینه بی‌نظمی تغذیه در میان نمونه‌ای از دختران دانشجو دنبال کنیم (Strice,)

2 - Disordered eating behavior.

3 - Tool kit.

1 - Normative discontent.

خانواده‌ها مهم هستند، چونکه آنها نظام اعتقادی یک گروه را از نظام اعتقادی گروه دیگر متمایز می‌سازند.

چارچوب نظری تحقیق

مطالعات انجام شده و مباحث نظری فوق اگر چه هر یک بر ابعاد مهمی از عوامل مؤثر بر تصور بدن تأکید داشته‌اند، اما به برخی از عوامل تغییر دهنده دیدگاه‌های افراد نسبت به ظاهر جسمانی و ادراکات مرتبط با آن کم توجهی و در برخی موارد بی‌توجهی داشته‌اند.

به بیان دیگر عواملی وجود دارد که می‌تواند رویکردهای افراد را نسبت به برخی مسائل همچون چاقی و لاغری، سلامت، و بطور کلی ظاهر جسمانی دگرگون سازند. این عوامل در سطوح کلان، میانی و خرد اجتماعی با اثر گذاری بر شرایط اجتماعی، متغیرهای میانی همچون رفتار خانواده و رفتارهای فردی می‌توانند تغییرات قاطعی را در جامعه ایجاد نمایند (خواججه‌نوری، ۱۳۸۵).

یکی از عوامل مهم تأثیر گذار بر رفتارهای فردی و گروهی (خانواده) فرآیند جهانی شدن فرهنگی است. این فرآیند در دو تا سه دهه آخر قرن گذشته به این سو (Mittelman, 2000) شتاب فراوانی گرفته و دگرگونی‌های کیفی (Dale, 1999) در زندگی انسانها شده است.

جهانی شدن فرهنگی با ابعاد دیگر جهانی شدن همچون فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی دارای تعامل بسیار قوی بوده و یکدیگر را تقویت می‌کنند. از آنجا که

فرهنگی در استراتژی‌هایی از کنش قابل مشاهده‌اند که متکی به "واژگان انگیزشی" ^۱ "دلیل‌تراشی‌ها" ^۲ یا "انکارها" ^۳ بوده و برای مدیریت رفتار به کار می‌روند (Haworth- Hoepfner, 2000: 214).

در این دیدگاه، فرهنگ به کنشگرانی متکی است که در متن "جهان اجتماعی‌شان" فعال هستند. به باور این دیدگاه، فرهنگ در چشم اندازه‌ها یا نقطه نظرهای مشترک کنشگران تولید می‌شود. ارتباطات برای شکل دادن این چشم اندازه‌های مشترک مهم است. چشم اندازه‌های مشترک برای سازمان دادن تجربیات درون جهان اجتماعی یک کنشگر بکار می‌رود.

درون این جهان‌های اجتماعی است که "خرده فرهنگ" یا هویت‌سازی "جمعی" تکمیل می‌شود. این فرآیند در هر گروهی که مردم در آن هویت خود را ایجاد و یا بازتعریف می‌کنند و مدعی آن می‌باشند، رخ می‌دهد (Ibid.). خانواده چنین گروهی را به نمایش می‌گذارد. درون خانواده نظام‌های اعتقادی مشترک یا "دیدگاه خانوادگی" تولید می‌شود.

پیوندهای درون خانواده، بنیانی را برای جهان‌های اجتماعی متفاوت ایجاد می‌کند و درون این جهان‌ها زمینه‌های باورهای متفاوت بوجود می‌آید. پیام‌های فرهنگی از آنجا که از طریق گروه‌های خانوادگی به گونه متفاوتی تفسیر می‌شوند، معانی یا ارزش‌های متفاوتی را به خود می‌گیرند (Ibid.). بنابر این، ویژگی‌های یگانه

1 - Vocabularies of motive.

2 - Accounts.

3 - Disclaimers

همچنین در بحث از جهانی شدن دو ایده فشرده‌گی جهان و تشدید آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل واحد نیز می‌توان مشاهده نمود (رابرتسون، ۱۳۸۲: ۳۵). به باور رابرتسون آگاهی نسبت به جهانی شدن مهمتر از فشرده‌گی جهان است.

فناوری اطلاعاتی و وقوع دگرگونی‌های سریع در آنها، فرآیند جهانی شدن را به شدت تسریع نموده‌اند (Rantanen, 2005: 5). گسترش شبکه‌های پست الکترونیکی و اینترنت بر دگرگون شدن دیدگاه‌های و ارزش‌های افراد اثر گذاشته‌اند. تعامل بین جهانی شدن فرهنگی و جهانی شدن فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی موجب تحول در ارکان فرهنگی جوامع و بازاندیشی در آنها توسط اعضای جوامع مختلف شده است. بسیاری از ایده‌های جهانی همچون برابری، حقوق بشر، سوسیالیسم، دموکراسی و مانند آنها از این طریق وارد جوامع گوناگون می‌شوند این بازاندیشی موجب تحول در ابعاد هویت اجتماعی مردم گردیده است به نحوی که افراد به بازسازی هویت خویش (به طریق بازاندیشانه) دست زده و هویت سنتی آنها به فراخور تأثیرات جریان‌های جهانی شدن و میزان نفوذ در جوامع مختلف دگرگون گشته است. امروزه ما با پدیده جدیدی روبرو هستیم که از آن تحت عنوان هویت‌های فرهنگی چندگانه (Hongladarom, 2002) یاد می‌شود.

همچنین جهانی شدن فرهنگی بسیاری از عرصه‌های رفتارهای اجتماعی - فرهنگی افراد و گروه‌های اجتماعی و سطوح مختلف نظام‌های معانی آنها را تحت تأثیر قرار

الزامات ساختاری در جامعه می‌تواند بر فرآیندهای مختلف درون اجتماع اثر گذارد، لذا این الزامات نیز به عنوان عوامل تسریع کننده و یا محدود کننده اثر گذار مورد بررسی قرار می‌گیرد (خواجه نوری، ۱۳۸۵).

فرآیند جهانی شدن روابط اجتماعی را در سطح جهانی تشدید کرده است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۷۷). این فرآیند به فشرده‌گی پدیدارشناسانه زمان و مکان که نتیجه بکارگیری فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی است، منجر شده است. اگر چه فرآیند جهانی شدن بر همگونی فرهنگ‌ها تأثیر می‌گذارد، اما به دلیل مکانیزم‌های درونی همین فرآیند ما شاهد خود مختاری نسبی زندگی اجتماعی محلی هستیم که در چارچوب نظری گیدنز از آن به بازاندیشی تعبیر می‌شود.

به باور لانگمن بازاندیشی مردم را قادر می‌سازد تا بطور انفرادی یا بطور جمعی هویت‌های خود را تدقیق^۱ بکنند (Longman, 2003). به بیان دیگر، مردمانی که در مکان‌های مختلف به سر می‌برند، به طور روزافزون نسبت به ارزش‌ها و امکاناتی که منشاء تنش در اجتماع آنها است، حساسیت نشان می‌دهند.

این ایده در واقع به نوعی بیانگر ایده جهان-محلی گرایی است. گیدنز از این ایده تحت عنوان منطقه‌ای شدن^۲ یاد می‌کند که اشاره به بازسازی بازاندیشانه در مواجهه با گرایش‌های غیر انسانی، عقلانیت ابزاری و کالایی کردن ارزش‌ها نیز می‌شود (Waters, 2001: 5).

1 - Articulate.

2 - Localization.

داده است. از این میان می‌توان به دگرگونی در نظام‌های ارزشی، و شیوه‌های زندگی (Youngelson et al., 2001) اشاره نمود.

برای مثال نمود مباحث سوسیالیسم، همچنین برابری خواهی، دمکراسی و مانند آنها را می‌توان در نگرش‌های تساوی‌خواهانه در میان زنان و همچنین در خانواده‌ها جستجو کرد (زاهد و خواجه‌نوری، ۱۳۸۴؛ خواجه‌نوری، ۱۳۸۵؛ مقدس و خواجه‌نوری، ۱۳۸۵).

به باور گیدنز شیوه زندگی برای فرد در شرایط ما بعد سنت اهمیت می‌یابد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۲۰). در شرایط جدید به دلیل وجود گزینه‌های مختلف تحت اختیار افراد برای ساختن هویت‌شان مردم مجبورند که انتخاب کنند. همه انتخاب‌های افراد، تصمیم‌هایی هستند که آنها نه فقط در باره چگونگی عمل کردن بلکه در باره چگونه بودن خویش به مرحله اجرا می‌گذارند (همانجا: ۱۲۱).

بر این اساس بر این باور هستیم که افراد در فرآیند جهانی شدن با استفاده از منابع مختلفی که در اختیار دارند و عمده آنها نیز توسط فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در اختیار افراد گذاشته می‌شود، دست به انتخاب می‌زنند. بر مبنای این رویکرد افراد در یک تعامل پویا با نظام جهانی، رفتار خود را بطور بازاندیشانه تنظیم می‌کنند.

در این میان یکی از پدیده‌های مهم در گفتمان‌های جهانی زیبایی جسمانی و تصور بدن در این رابطه است. این گفتمان از طریق فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی در جوامع مختلف در حال گسترش است.

ارزش‌های زیر بنایی این گفتمان که عمدتاً متأثر از نوگرایی است، در همه جا در حال پراکنده شدن است. از آنجا که یکی از عوامل ارزیابی کننده زنان در جوامع، ظاهر جسمانی آنان گردیده است، آنها برای آنکه توسط دیگران ارزیابی بهتری شوند، به تدریج به سوی توجه بیشتر به بدن و اجزای آن و مدیریت بر اندامشان سوق داد می‌شوند.

فرضیات

۱) بین شهر محل سکونت و تصور بدن زنان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۲) بین وضعیت تأهل و تصور بدن زنان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۳) بین سرمایه فرهنگی و تصور بدن زنان رابطه وجود دارد.

۴) بین استفاده از ICTها و بدن زنان رابطه وجود دارد.

۵) بین شیوه زندگی و تصور بدن زنان رابطه وجود دارد.

۶) بین نوگرا بودن و تصور بدن زنان رابطه وجود دارد.

۷) بین نگرش‌های نقش - جنسیت و تصور بدن زنان رابطه وجود دارد.

۸) بین آگاهی نسبت به جهانی شدن و تصور بدن زنان رابطه وجود دارد.

۹) بین متغیرهای جمعیتی و تصور بدن زنان رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش بیشتر مبتنی بر روش پیمایشی بوده است. از پرسشنامه به عنوان ابزار پژوهش استفاده شده است. پرسش‌های پرسشنامه، حاوی ابعاد گوناگون رفتار عینی، نگرش‌های افراد و ویژگی‌های فردی پاسخگویان است. جامعه آماری این پژوهش زنان بین سنین ۱۶ تا ۴۵ سال ساکن در شهرهای شیراز، تهران و استهبان بوده است.

گزینش به این دلیل بود که دختران نوجوانی که دستکم کلاس سوم راهنمایی را گذرانده باشند، در نمونه وارد شوند و از سوی دیگر زنان با پیشینه ۴۵ سال را نیز حد نهایی شرط سنی قرار دادیم تا تأثیرهای یائسگی (انجمن پزشکی بریتانیا، ۱۳۸۲: ۱۶ و ۳۷) را که می‌تواند بر روی هویت آنها اثر بگذارد، کمینه کنیم، فزون براین سنین بالاتر کمتر تحت تأثیر عامل‌های جهانی شدن بوده و هویت آنها کم و بیش تثبیت شده است.

تهران به عنوان پایتخت ایران، بیش از دیگر شهرهای ایران، از دگرگونی‌های منطقه‌ای و جهانی تأثیر می‌پذیرد. شیراز به دلیل مرکز استان بودنش و مجاورت با کشورهای حاشیه خلیج فارس در پیشقراولی تغییر فرهنگی دارای اهمیت فراوان است. استهبان یکی از مراکز شهرستان‌های فارس است که به لحاظ پیشینه تاریخی دارای بافت مذهبی و سنتی است و می‌تواند برای انجام مقایسه‌های علمی موردی مناسب باشد. واحد

نمونه‌گیری مورد استفاده خانواده است. هر خانواده که دارای یک زن در سنین یاد شده بوده و دستکم کلاس سوم راهنمایی را به پایان رسانده بود، توانسته است به صورت بالقوه در بردارنده واحد تحلیل یعنی زنان ۱۶ تا ۴۵ سال باشد.

چارچوب نمونه‌گیری تحقیق محدوده مصوب شهرهای مورد مطالعه بود. شیوه نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بود. بدین معنی که از بین مناطق سرشماری هر شهر تعدادی منطقه به گونه تصادفی برگزیده و سپس در درون هر منطقه به نسبت وجود خانواده‌ها، بلوک‌های کوچک‌تر به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد. خانوارهای درون خوشه‌ها مورد بررسی و در صورت وجود یک زن با ویژگی‌های بالا در خانواده با او مصاحبه شد. در هر خانواده‌ای اگر دو یا چند زن وجود داشتند که حائز شرایط بودند، در نهایت به شیوه شیر و خط یک نفر به تصادف انتخاب شده است.

بر این اساس بر پایه نقشه مناطق شهری، مناطق، حوزه‌ها و بلوک‌های شهری به شرح زیر برگزیده شدند: بر اساس تقسیم‌بندی مرکز آمار ایران در سرشماری سال ۱۳۷۵ شهر شیراز به ۶ منطقه تقسیم شده است که در این پژوهش هر شش منطقه گزینش شدند. در این شش منطقه، برپایه تعداد جمعیت هر منطقه به صورت تصادفی تعداد ۱۲ حوزه برگزیده شدند.

از این میان ۱۱۴۷ پرسشنامه از سوی پاسخگویان برگردانده شدند. در استهبان، با ضریب پایایی ± 5 ، ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد، برابر با ۳۷۰ بود. برای رسیدن به این تعداد پرسشنامه، تعداد ۴۰۰ پرسشنامه در سطح شهر توزیع شدند که از این میان تعداد ۳۷۵ پرسشنامه توسط پاسخگویان برگشت داده شدند.

علت تفاوت ضریب پایایی در میان سه شهر ناهمگونی متفاوت در درون هر شهر بود. به بیان دیگر از آنجا که تهران دارای ناهمگونی زیادی است، ضریب پایایی ± 3 برای آن در نظر گرفته شد. در شیراز که ناهمگونی آن کمتر از تهران است، ضریب پایایی ± 4 در نظر گرفته شد.

از آنجا که شهر استهبان از موقعیت مهاجرت‌پذیری کمتری نسبت به دو شهر یادشده برخوردار است، بنابراین ضریب پایایی ± 5 برای آن در نظر گرفته شد. از سوی دیگر امکانات مالی نیز در گزینش این ضرایب پایایی در سه شهر یاد شده دخالت داشته است.

متغیر وابسته

در این تحقیق تصور بدن زنان متغیر وابسته است. تصور بدن یک تصور ذهنی از بدن توسط فرد است و به دریافت و احساس وی از بدن خودش اشاره دارد

در هر حوزه تعداد ۲ بلوک به صورت تصادفی گزینش شدند. همچنین بر پایه همان سرشماری، شهر تهران به ۲۲ منطقه تقسیم شده است. در این پژوهش از میان ۲۲ منطقه تعداد ۱۰ منطقه به‌گونه تصادفی گزینش شد. در میان این مناطق ۲۰ حوزه به صورت تصادفی بر پایه جمعیت مناطق بالا انتخاب گردید. در هر حوزه نیز ۲ بلوک به گونه تصادفی گزینش شد. شهر استهبان نیز بر پایه همان سرشماری به ۴ منطقه تقسیم شده است که همه مناطق آن گزینش شدند. حجم نمونه: در این پژوهش برای محاسبه حجم نمونه پژوهش از روش نمونه‌گیری لین استفاده شد (Lin, 1978: 446-447).

نمونه‌گزینی برای شیراز با ضریب پایایی ± 4 ، ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد (فرض بالاترین حد واریانس در جمعیت) برابر با ۶۰۰ نفر بود و برای آنکه به کسب این تعداد از پرسشنامه تکمیل شده در شیراز برسیم، تعداد پرسشنامه‌های شهر شیراز به ۷۱۰ پرسشنامه رسانده شدند که از این میان ۷۰۶ پرسشنامه بدست آمد.

در تهران با ضریب پایایی ± 3 ، ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰ - ۵۰ درصد تعداد نمونه‌گزینی برابر با ۱۰۶۵ نفر بود. در تهران نیز به جهت آنکه این امکان وجود داشت که در هنگام توزیع برخی از پرسشنامه‌ها برگشت داده نشوند، بنابراین تعداد پرسشنامه‌های توزیع شده برابر با ۱۲۰۰ پرسشنامه بود که

توانمندی‌هایی را فراهم می‌سازند که آنها را قادر به عمل به شیوه‌های نوین می‌سازد. به نظر او سرمایه انسانی شکل گرفته در مهارت‌ها و دانش کسب شده در افراد است. بر این مبنا وی در بحث از زمینه خانوادگی، میزان تحصیلات را سرمایه انسانی در نظر گرفته است (Coleman, 1988). در مطالعه حاضر این متغیر در سطح فاصله‌ای سنجیده شده است.

شیوه زندگی: به باور گیدنز شیوه زندگی مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردهاست که فرد آنها را به کار می‌گیرد چون، نه فقط نیازهای جاری او را بر آورده می‌سازند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود بر گزیده است در برابر دیگران متجسم می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۰). در اینجا برای سنجش شیوه زندگی ۱۵ گویه انتخاب شد که ضریب آلفای آنها برابر با ۰/۷۵ بوده است.

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی (ICTها): فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی شامل همه آن فناوری‌هایی می‌شود که توانایی پرداختن به اطلاعات را دارند و اشکال گوناگون ارتباطات را میان کنشگران انسانی، بین انسان‌ها و نظام‌های الکترونیکی و میان نظام‌های الکترونیکی را تسهیل می‌کنند. در اینجا میزان استفاده از رایانه، اینترنت و مشتقات آن همچون چت، پست الکترونیکی، موبایل و مشتقات آن همچون SMS، و در نهایت ماهواره مورد سنجش قرار گرفتند. برای

(hargreaves & Tiggemann, 2006; Jung & Lennon, 2003; Grogan, 1999: 1).

افراد در زندگی روزمره خویش سعی دارند که در تعامل با دیگران به نوعی تصویر خود را با تصویر عمومی تلفیق کنند. این تصور در تعامل با دیگران شکل می‌گیرد. از آنجا که جامعه در مقایسه با مردان، تأکید بیشتری بر ظاهر زنان در ایجاد هویت‌شان می‌گذارد، زنان اغلب توسط جذابیت جسمی‌شان ارزیابی می‌شوند (Jung & Lennon, 2003).

برای این منظور تصور بدن بر اساس تعدادی گویه که در قالب طیف لیکرت تنظیم شده‌اند توسط گویه‌های متعدد سنجیده شده است. برای آزمون روایی طیف‌های مختلفی که در تحقیق به محک آزمون تجربی زده شدند، از ضریب همبستگی آلفا کرنباخ استفاده شده است. بر این اساس ضریب آلفای عناصر تشکیل دهنده طیف تصور بدن برای سه شهر مذکور با ۱۵ گویه برابر با ۰/۷۷۵۵ بود.

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل در این تحقیق از سه دسته عمده متغیرهای موقعیت ساختاری، حوزه فناوری (دسترس‌ی به ICTها) و حوزه فرهنگی تشکیل شده است. در دسته موقعیت ساختاری متغیرهای زیر استفاده شده‌اند:

سرمایه فرهنگی: به باور کلمن، سرمایه فرهنگی با تغییرات در اشخاصی ایجاد می‌شود که مهارت‌ها و

سنجش این متغیر ترکیبی، از شماری پرسش‌هایی که میزان ساعت‌های استفاده از آنها را می‌سنجد، استفاده شد. در اینجا متغیر بدست آمده در سطح فاصله‌ای بود.

رسانه‌های جمعی: منظور از رسانه‌های جمعی رسانه‌هایی هستند که پیش از پیدایش ICTها بوجود آمده‌اند. برای مثال می‌توان در این گروه رادیو و تلویزیون داخلی را نام برد. همچنین با توجه به اینکه همستگی متغیر استفاده از ویدئو نیز بیشتر با این وسایل همخوانی داشت، بنابراین با این وسایل یکجا جمع شد و متغیر رسانه‌های جمعی را ساخت.

ایدئولوژی نقش جنسیتی: ایدئولوژی نقش جنسیتی مجموعه یکپارچه‌ای از ارزش‌ها یا نظریه‌ها در مورد زن و مرد است که اعضای جامعه درست، طبیعی و مناسب می‌پندارند (Robson, 2000). بر این اساس ضریب آلفای گویه‌های تشکیل دهنده طیف ایدئولوژی نقش جنسیتی برای سه شهر با ۱۹ گویه برابر ۰/۷۵ بود. آگاهی نسبت به جهانی شدن: برای سنجش آگاهی زنان نسبت به جهانی شدن تعدادی گویه تهیه شد. بر این اساس ضریب آلفای گویه‌های تشکیل دهنده طیف آگاهی نسبت به جهانی شدن برای سه شهر مذکور با ۱۶ گویه برابر ۰/۷۰ بود.

نوگرایی: برای سنجش نوگرایی زنان تعدادی گویه تهیه شد. ضریب آلفای گویه‌های سازنده نوگرایی برای سه شهر مذکور با ۱۶ گویه برابر ۰/۷۰ بود.

یافته‌های تحقیق

در این بخش به بررسی نتایج تحقیق می‌پردازیم. در ابتدا نتایج حاصل از آمارهای توصیفی و سپس نتایج بدست آمده از آمارهای استنباطی ارائه خواهد شد.

نتایج توصیفی

جدول شماره ۱ توزیع درصدی فراوانی پاسخ‌ها به هریک از گویه‌های تصور بدن به تفکیک هر سه شهر مورد مطالعه و همچنین کل آنها بر روی هم ارائه می‌کند. همانطور که مشاهده می‌شود، اکثر پاسخ‌گویان هر سه شهر بر این باور بوده‌اند که "می‌توان برای همیشه ویژگی‌های ظاهری زنانه را پنهان کرد" در این میان زنان تهرانی نگرش موافق‌تری داشته‌اند و سپس زنان شیرازی و در نهایت زنان استهبانی. اما اکثر آن‌ها به گویه "اندام لاغر و باریک نشانه شخصیت زن است" نظر مخالفی ابراز کرده‌اند. در این میان زنان شیرازی مخالفت کمتری نسبت به زنان دو شهر دیگر ابراز داشته‌اند. تمامی زنان مورد مطالعه داشتن اندام زیبا را برای زنان لازم دانسته‌اند (گویه سوم). در این میان زنان استهبانی دیدگاه کمتر موافقی نسبت به زنان دو شهر دیگر ابراز داشته‌اند. در مورد لوازم آرایشی و استفاده از آنها، زنان هر سه شهر نظر موافقی داشته‌اند اما نگرش زنان تهرانی قوی‌تر از دو شهر دیگر بوده و نزدیک به نیمی از زنان استهبانی با این باور موافق نبوده‌اند (گویه شماره ۴). گویه شماره ۵ این

محیط‌های اجتماعی نیست" بیان نمایند (گویه ۱۰). بطور کلی ۸۱ درصد از پاسخگویان موافق این گویه بوده‌اند. در این میان زنان استهبانی موافقت بیشتری از خود ابراز نموده‌اند. در مورد این گویه که "پوشیدن لباس‌های گشاد در انظار عمومی لزومی ندارد" (گویه ۱۱) بیش از ۳۸ درصد از زنان موافق بوده‌اند.

زنان شیراز و پس از آن تهرانی بیشترین موافق و زنان استهبانی کمترین موافقت را بیان داشته‌اند. در خصوص گویه شماره ۱۲ "زنانی که به زیبایی اندام خود توجه می‌کنند، تحسین برانگیزند." آراء زنان موافق، مخالف و بی‌نظر شیرازی و تهرانی تقریباً به یکدیگر نزدیک شده است اما بیش از نیمی از زنان استهبانی مخالف بوده‌اند.

بیش از نیمی از زنان در شهرهای مورد مطالعه بیان داشته‌اند که دوست ندارند که لباس‌های استریچ چسبان بپوشند (گویه شماره ۱۳). نزدیک به ۶۰ درصد از زنان بر این باور نبوده‌اند که "اندام لاغر، نشانه زیبایی زن است." اما زنان تهرانی بیش از زنان دو شهر دیگر موافق‌تر بوده‌اند و زنان استهبانی مخالفت بیشتری ابراز داشته‌اند (گویه شماره ۱۴). در نهایت بیش از ۶۰ درصد زنان ابراز داشته‌اند که "در صورتی که راه‌های مناسبی برای زیباتر کردن اندام ارائه شود، از آنها استفاده می‌کنم" در پاسخ به این گویه زنان شیرازی موافق‌تر و زنان استهبانی مخالف‌تر بوده‌اند.

باور را بیان نموده که "این روزها، اندام ظریف بیشتر مورد توجه مردم است". زنان تهرانی نسبت به زنان شهرهای دیگر بیشتر با این گزاره توافق داشته‌اند.

اکثریت زنان معتقد بودند که "برای هر زنی داشتن جذابیت جسمانی لازم است". زنان تهرانی نسبت به زنان دو شهر دیگر نگرش قوی‌تری داشته‌اند و زنان استهبانی موافقت کمتر نسبت به دو شهر دیگر بیان نموده‌اند (گویه شماره ۶). در مورد نمایش اندام زنانه در بیرون از خانه اکثریت قاطع زنان هر دو شهر مخالفت خود را بیان نموده‌اند اما زنان شیرازی کمتر از زنان دو شهر دیگر و زنان استهبانی بیش از زنان دیگر مخالف بوده‌اند (گویه شماره ۷).

در پاسخ به این گویه که "در صورت لزوم، می‌باید از طریق جراحی، ظاهر جسمانی خود را زیباتر ساخت (گویه ۸) بیش از ۳۶ درصد از زنان هر سه شهر موافق بوده‌اند اما در این میان ۴۲/۴ درصد از زنان شیرازی موافق بوده‌اند.

در تهران ۳۶/۶ و در استهبان ۲۳/۶ درصد موافقت خود را بیان کرده‌اند. بیش از نیمی از زنان هر سه شهر بر این باور بوده‌اند که "زنان باید توجه بیشتری به اندامشان داشته باشند" زنان تهرانی نسبت به زنان دو شهر دیگر موافقت بیشتری ابراز داشته‌اند (گویه شماره ۹).

از پاسخ‌گویان خواسته شد تا نظر خود را نسبت به این گویه که "پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان، مناسب

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی درصدی گویه‌های سازنده تصور بدن به تفکیک شهرها

نام متغیر	کل شهرها					تهران					شیراز					استهبان					
	میانگین	مخالف	بی نظیر	موافق	SD	میانگین	مخالف	بی نظیر	موافق	SD	میانگین	مخالف	بی نظیر	موافق	SD	میانگین	مخالف	بی نظیر	موافق	SD	
۱	۶۳/۳	۱۱/۷	۲۴/۵	۶۴/۵	۰/۷	۲/۵	۱/۱۰	۲۴/۵	۶۴/۵	۰/۷	۲/۵	۱۰/۵	۲۶/۵	۶۳/۰	۰/۷	۲/۵	۱۵/۸	۲۴/۶	۵۹/۶	۶۳/۶	۰/۷
۲	۱۷/۳	۷۳/۵	۱۱/۳	۱۱/۳	۰/۷	۱/۴	۷۳/۶	۱۵/۰	۱۱/۳	۰/۷	۱/۴	۶۷/۷	۱۷/۵	۱۴/۸	۰/۷	۱/۵	۷۸/۳	۱۱/۶	۱۰/۲	۱۰/۲	۰/۷
۳	۹۳/۳	۵/۱	۱/۷	۹۴/۷	۰/۳	۲/۹	۲/۶	۹۴/۷	۹۳/۸	۰/۳	۲/۹	۱/۳	۴/۹	۹۳/۸	۰/۳	۲/۹	۸۷/۳	۱۰/۲	۸۷/۳	۰/۳	۲/۹
۴	۶۳/۶	۱۵/۱	۲۱/۳	۶۷/۷	۰/۸	۲/۵	۱۹/۵	۱۲/۸	۶۷/۷	۰/۸	۲/۵	۱۸/۰	۱۸/۳	۶۳/۶	۰/۸	۲/۵	۳۳/۱	۱۶/۱	۵۰/۸	۳۳/۱	۰/۸
۵	۶۹/۷	۲۰/۹	۷/۴	۷۰/۹	۰/۷	۲/۶	۹/۴	۱۹/۸	۷۰/۹	۰/۷	۲/۶	۱۸/۳	۲۲/۰	۶۹/۶	۰/۷	۲/۶	۱۱/۶	۲۲/۳	۶۶/۱	۲۲/۳	۰/۶
۶	۷۳/۶	۱۶/۲	۱۶/۲	۷۳/۶	۰/۷	۲/۶	۱۰/۸	۷۳/۶	۷۳/۶	۰/۷	۲/۶	۱۹/۳	۷۳/۴	۷۳/۴	۰/۶	۲/۶	۱۴/۲	۲۰/۲	۶۵/۶	۲۰/۲	۰/۶
۷	۸/۵	۱۳/۰	۷۸/۵	۱۳/۰	۰/۶	۱/۳	۸۰/۳	۱۱/۴	۸/۳	۰/۶	۱/۳	۷۰/۶	۱۸/۰	۱۱/۴	۰/۶	۱/۴	۷۸/۸	۸/۵	۳/۷	۳/۷	۰/۷
۸	۳۶/۲	۲۰/۶	۴۳/۲	۳۶/۲	۰/۹	۱/۹	۴۳/۹	۱۹/۵	۳۶/۲	۰/۹	۱/۹	۲۱/۸	۲۱/۸	۴۳/۴	۰/۹	۲/۱	۵۴/۸	۲۱/۶	۲۳/۶	۲۳/۶	۰/۹
۹	۶۴/۸	۲۱/۱	۱۴/۱	۶۸/۴	۰/۷	۲/۵	۱۴/۰	۱۷/۶	۶۸/۴	۰/۷	۲/۵	۱۱/۸	۲۴/۴	۶۳/۸	۰/۷	۲/۵	۱۸/۷	۲۵/۸	۵۵/۵	۲۵/۸	۰/۷
۱۰	۸۱/۰	۱۰/۲	۸/۸	۸۰/۰	۰/۶	۱/۳	۹/۴	۸۰/۰	۸۰/۰	۰/۶	۱/۳	۱۳/۱	۷۹/۶	۷۹/۶	۰/۷	۱/۳	۶/۲	۷/۱	۸۶/۷	۸۶/۷	۰/۶
۱۱	۳۸/۳	۲۷/۰	۳۴/۷	۳۴/۷	۰/۹	۲/۱	۳۳/۴	۲۷/۴	۳۴/۷	۰/۹	۲/۱	۳۱/۳	۲۸/۲	۳۴/۷	۰/۹	۲/۱	۴۵/۳	۲۳/۴	۳۱/۳	۳۱/۳	۰/۸
۱۲	۲۶/۲	۲۵/۳	۲۸/۵	۲۶/۲	۰/۹	۲/۰	۳۷/۶	۲۴/۱	۲۸/۳	۰/۹	۲/۰	۳۳/۲	۲۶/۲	۲۶/۲	۰/۹	۲/۱	۵۱/۱	۲۷/۶	۲۱/۳	۲۱/۳	۰/۹
۱۳	۳۳/۱	۲۲/۰	۵۴/۹	۳۴/۷	۰/۸	۱/۷	۵۴/۲	۲۱/۱	۳۴/۷	۰/۸	۱/۷	۵۳/۹	۲۳/۳	۲۳/۳	۰/۸	۱/۷	۵۹/۰	۲۲/۳	۱۸/۶	۱۸/۶	۰/۸
۱۴	۳۹/۳	۲۰/۱	۴۰/۶	۳۹/۳	۰/۹	۲/۰	۳۹/۶	۱۸/۴	۳۹/۳	۰/۹	۲/۰	۳۸/۵	۲۲/۳	۳۹/۱	۰/۹	۲/۰	۴۷/۷	۲۰/۹	۳۱/۴	۳۱/۴	۰/۹
۱۵	۶۱/۵	۱۶/۵	۲۲/۰	۶۱/۵	۰/۸	۲/۳	۱۷/۶	۲۰/۶	۶۱/۵	۰/۸	۲/۳	۱۳/۹	۳۳/۱	۶۲/۰	۰/۸	۲/۳	۱۷/۹	۲۴/۴	۵۷/۷	۵۷/۷	۰/۷

- ۱- نمی‌توان برای همیشه ویژگی‌های ظاهری زنانه را پنهان کرد.
- ۲- داشتن اندام زیبا برای یک زن لازم است.
- ۳- این روزها، اندام طرف بیشتر مورد توجه مردم است
- ۴- نمایش اندام زنانه در بیرون از خانه اشکالی ندارد.
- ۵- زنان باید توجه بیشتری به اندامشان داشته باشند.
- ۶- پوشیدن لباس‌های گشاد در انتظار عمومی لزومی ندارد
- ۷- پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان، مناسب محیط‌های اجتماعی نیست.
- ۸- در صورت لزوم، می‌باید از طریق جراحی، ظاهر جسمانی خود را زیباتر ساخت.
- ۹- پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان، مناسب محیط‌های اجتماعی نیست.
- ۱۰- زنانی که به زیبایی اندام خود توجه می‌کنند، تصمیم برانگیزند.
- ۱۱- دوست دارم لباس‌های استریج (چسبان) بپوشم.
- ۱۲- اندام لاغر، نشانه‌ی زیبایی زن است.
- ۱۳- اندام لاغر، نشانه‌ی زیبایی زن است.
- ۱۴- اندام لاغر، نشانه‌ی زیبایی زن است.
- ۱۵- در صورتی که راه‌های مناسبی برای زیباتر کردن اندام ارائه شود، از آنها استفاده می‌کنم.

نتایج استنباطی

جدول شماره ۲ نشان‌دهنده تفاوت میانگین تصور بدن بر حسب شهر محل سکونت پاسخگویان می‌باشد. همچنانکه ملاحظه می‌شود، میانگین پاسخگویان شیرازی (۵۱/۹۷۹۲) بیش از دو شهر دیگر است. همچنین میانگین پاسخگویان تهرانی (۵۱/۷۲۷۷) بیش از پاسخگویان

استهباناتی (۴۸/۷۸۶۵) است. لازم به ذکر است که با توجه آزمون شفه تفاوت معنی‌داری بین تصور بدن پاسخگویان شیرازی و تهرانی تفاوت نمی‌باشد. مقدار F این جدول ($F = ۲۹/۰۵۵$) در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی‌دار است.

جدول شماره ۲: آزمون تفاوت میانگین تصور بدن بر حسب شهر محل سکونت

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
تهران	۱۰۴۳	۵۱/۷۲۷۷	۷/۱۵۴۰۹	۲۹/۰۵۵	۰/۰۰۰
شیراز	۶۷۳	۵۱/۹۷۹۲	۶/۸۶۷۹۸		
استهبان	۳۷۰	۴۸/۷۸۶۵	۶/۷۳۱۴۲		

جدول شماره ۳ تفاوت تصور بدن را در بین پاسخگویان متأهل و مجرد مورد سنجش قرار داده است. با توجه به میانگین‌های جدول تصور بدن در بین

پاسخگویان مجرد بیش از پاسخگویان متأهل است. مقدار F جدول ($F = ۱۵/۵۷۷$) در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی‌دار است.

جدول شماره ۳: آزمون تفاوت میانگین تصور بدن بر حسب وضعیت تأهل

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
مجرد	۸۵۳	۵۲/۰۲۴۶	۷/۲۹۶۰۹	۱۵/۵۷۷	۰/۰۰۰
متأهل	۱۲۳۲	۵۰/۷۸۴۱	۶/۸۸۶۰۱		

جدول شماره ۴ همبستگی بین متغیرهای اجتماعی فرهنگی را با متغیر تصور بدن ارائه می‌دهد. همچنانکه مشاهده می‌شود آگاهی نسبت به جهانی شدن دارای رابطه مثبت نسبتاً قوی با تصور بدن است. کسانی که

آگاهی بیشتری نسبت به پدیده‌های جهانی و بطور کلی فرآیند جهانی شدن قرار گرفته‌اند بیشتر نسبت به تصور بدن حساسیت دارند. نوگرایی یکی دیگر از متغیرهای مرتبط با جهانی شدن بود. این متغیر دارای رابطه قوی با

تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن از بین شیوه‌های زندگی یا یکی را انتخاب می‌نمایند و یا به تناسب شرایط مختلف خود ملغمه‌ای از شیوه‌های زندگی را بر می‌گزینند. شیوه زندگی جدید به افزایش تصور خود انجامیده و آن را تشدید می‌کند. سرمایه فرهنگی افراد از عوامل مهم در تصور بدن است.

کسانی که از سرمایه فرهنگی بیشتری برخوردار هستند، حساسیت بیشتری نسبت به تصور بدن دارند. از آنجا که تحصیلات پاسخگو، همسر و والدین وی اساس سرمایه فرهنگی را در این مطالعه تشکیل می‌دهد، می‌توان نتیجه گرفت که کسانی که تحصیلات بالاتری دارند، نسبت به شکل جسمانی خود حساسیت بیشتری دارند. بین نگرش‌های نقش جنسیتی و تصور بدن رابطه معنی‌داری وجود دارد.

متغیر تصور بدن بوده است. از آنجا که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی جدید در فرآیند جهانی شدن و نوگرایی فرد نقش مهمی دارند، لذا می‌توان انتظار داشت که رابطه معنی‌داری با تصور بدن داشته باشند. جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد که این رابطه معنی‌دار و مثبت است. اما استفاده از وسایل ارتباط جمعی دارای رابطه معنی‌داری نبوده است. احتمالاً دلیل این امر آن است که تصور بدن پدیده‌ای است که بیشتر از طریق فناوری‌هایی همچون ماهواره، اینترنتی و امکانات آن گسترش یافته و تشدید می‌شود.

وسایل ارتباط جمعی که عمدتاً داخلی هستند، بیشتر تحت کنترل بوده و از ارائه تصویرها و تبلیغاتی که می‌تواند به تشدید تصور بدن بی‌انجامد، خودداری می‌کنند. شیوه زندگی جدید (مدرن) یکی دیگر از عواملی است که به افزایش تصور بدن می‌انجامد. انسان‌ها

جدول شماره ۴: همبستگی بین برخی از متغیرهای فرهنگی، اجتماعی با تصور بدن

تصور بدن	تصور بدن
۰/۲۱۷**	آگاهی نسبت به جهانی شدن
۰/۰۸۵**	نوگرایی
۰/۱۳۹**	استفاده از ICT
۰/۲۱۱**	استفاده از وسایل ارتباط جمعی
شیوه زندگی	۰/۴۷۲**
سرمایه اجتماعی	۰/۵۸۹**
سرمایه فرهنگی	۰/۱۸۱**
نگرش‌های نقش جنسیتی	۰/۰۰۹

** P<۰/۰۱; * P<۰/۰۵

سن پاسخگو و یا سن همسرش بیشتر می‌شود از میزان تصور بدن کاسته می‌شود. شاید برای این مسئله باشد که

جدول شماره ۵ رابطه برخی متغیرهای جمعیتی را با تصور بدن نشان داده است. با توجه به جدول زیر هر چه

تصور بدن در دوران جوانی از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار می‌باشد (Ferron, 1997). با افزایش سالهای ازدواج از میزان تصور بدن کاسته می‌شود. همچنین زنانی که در سنین بالاتر ازدواج می‌کنند، از حساسیت آنها نسبت به تصور بدن کاسته می‌شود. بعد خانوار از متغیرهای است که با تصور بدن دارای رابطه معنی‌دار است. اما تعداد فرزندان پاسخگو از

حساسیت نسبت به تصور بدن می‌کاهد. احتمال افزایش فرزندان هم فیزیک پاسخگو را تا حدود زیادی تغییر می‌دهد که جبران آن تقریباً آسان نیست و همچنین زنانی که دارای فرزندان بیشتری هستند، چندان حساسیت نسبت به وضعیت جسمانی خود به لحاظ زیبایی و مانند را ندارند. احتمالاً این وضعیت به لحاظ اثر جانشینی فرزند(ان) در مقابل زیبایی ظاهری است.

جدول شماره ۵: همبستگی بین برخی از متغیرهای جمعیتی با تصور بدن

تصور بدن	تصور بدن
-۰/۱۰۴**	سن پاسخگو
-۰/۰۵۳*	سن همسر پاسخگو
-۰/۰۸۳**	تعداد خواهر و برادر
	تعداد فرزندان
**P<۰/۰۵	**P<۰/۰۱

مدل ۳۷/۶ درصد می‌شود. مقدار افزوده شده به مدل با ورود این متغیر ۲/۷ درصد است. شیوه زندگی سومین متغیر وارد شده در مدل است.

با ورود این متغیر توان تبیین مدل به ۳۸ درصد می‌رسد. متغیرهای گفتگوی در خانواده، سرمایه فرهنگ و وضعیت تأهل به ترتیب متغیرهای چهارم تا ششم وارد شده در مدل هستند. بطور کلی این سه متغیر با کمک متغیرهای پیشین ۳۹ درصد تغییرات متغیر تصور بدن را در بین زنان مورد مطالعه تبیین می‌کنند (R²=۰/۳۹).

جدول آماره ۶، نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره متغیرهای مستقل را بر روی متغیر تصور بدن نشان می‌دهد. همچنانکه مشاهده می‌شود، این تحلیل تا شش مرحله پیش رفته است.

بر اساس نتایج می‌توان نتیجه گرفت که مهمترین متغیری که تصور بدن را تبیین می‌کند نوگرایی است. به بیان دیگر هر چه زنان بیشتر نوگراتر شوند، بیشتر حساسیت‌شان نسبت به بدن و شکل آن افزایش می‌یابد. توان پیش‌بینی مدل در این مرحله ۳۴/۹ درصد است. دومین متغیر وارد در معادله آگاهی نسبت به جهانی شدن است. با ورود این متغیر به معادله توان تبیین

جدول شماره ۶: متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون برای تبیین واریانس تصور بدن

مراحل ورود متغیرها	متغیر	R	R ^۲	مقدار F	Sig. F	اضافه شده به R ^۲	B	Beta	T	Sig. T
اول	نوگرایی	۰/۵۹۱	۰/۳۴۹	۶۵۲/۱۰۲	۰/۰۰۰	۰/۳۴۹	۰/۲۷۴	۰/۴۷۵	۱۶/۹۸۵	۰/۰۰۰
دوم	آگاهی نسبت به جهانی شدن	۰/۶۱۳	۰/۳۷۶	۳۶۵/۲۶۳	۰/۰۰۰	۰/۰۲۷	۰/۲۰۲	۰/۱۸۱	۶/۷۲۳	۰/۰۰۰
سوم	شیوه زندگی	۰/۶۱۷	۰/۳۸۰	۲۴۷/۹۲۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۱۱۶	۰/۰۶۷	۲/۸۲۲	۰/۰۰۵
چهارم	گفتگو در خانواده	۰/۶۱۹	۰/۳۸۳	۱۸۸/۲۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	-۰/۱۱۳	-۰/۰۵۸	-۲/۵۳۵	۰/۰۱۱
پنجم	سرمایه فرهنگی	۰/۶۲۲	۰/۳۸۶	۱۵۲/۴۳۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۹	۰/۰۷۶	۳/۰۹۲	۰/۰۰۲
ششم	وضعیت تأهل	۰/۶۲۵	۰/۳۹۰	۱۲۹/۰۲۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۹۲۶	۰/۰۶۷	۲/۷۷۵	۰/۰۰۶

بحث و نتیجه گیری

بدن و تصور از آن بواسطه عوامل مادی و منطق فرهنگی شکل می گیرد که به وسیله جهانی شدن دگرگون شده اند. مطالعه حاضر به بررسی نقش جهانی شدن بر تصور بدن پرداخته است. برای مطالعه رابطه بین فرآیند جهانی شدن و تصویر بدن نمونه ای تصادفی از زنان سه شهر تهران، شیراز و استهبان انتخاب و از نظریه ای ترکیبی مبتنی بر آراء گیدنز و رابرتسون برای تبیین این رابطه استفاده شد.

یافته های تحقیق نشان دادند اولاً تفاوت معنی داری بین این سه شهر در رابطه با متغیر وابسته وجود دارد. بنحوی که میانگین زنان شیرازی از دو شهر دیگر بود. مطالعات دیگر نیز نشان دهنده تفاوت در تصور از بدن

جهانی شدن با اشکال جدید تولید، حمل و نقل و رسانه های جمعی جهانی خودش تغییرات فرهنگی عمده ای در سطح جهانی ایجاد کرده است. یکی از این تغییرات، تغییر در هویت افراد است. فرهنگ عامه به عنوان بیان ایدئولوژیک جامعه مصرفی هویت های و شیوه های جدید زندگی را بر مبنای مصرف مادی و فرهنگی تشویق کرده است.

برخی از این هویت ها رو به نقصان می گذارند و برخی دیگر دگرگون می شوند. تصور بدن و تغییر آن را می توان به عنوان اجرای مناسبی در نظر گرفت که هویت های افراد مجسم می سازند. ان تحولات در مورد

افراد طبقات بالای جامعه بیش از زنان طبقات دیگر دارای تصویر بدن مدرن‌تری بودند. در مطالعه آزاد ارمکی و چاوشیان پایگاه اجتماعی- اقتصادی رابطه‌ای با مدیریت بدن نداشت (همانجا).

در رابطه بین متغیرهای جمعیتی و متغیر وابسته تصویر بدن مشاهده شد که سن پاسخگو، سن همسر پاسخگو، سال‌های ازدواج، سن در هنگام ازدواج و تعداد فرزندان با تصویر بدن دارای رابطه معنی‌دار و معکوس هستند. آزاد ارمکی و چاوشیان (۱۳۸۱) خورشید و همکارانش (۲۰۰۷) نیز بر رابطه سن و تصور بدن تأکید نموده‌اند. همچنین ستوده و همکارانش (۲۰۰۸) به نوعی بر حضور شوهر و اثر آن بر تصور بدن در میان زنان صحنه گذاشته‌اند.

در مطالعه حاضر نیز مشاهده می‌کند که با افزایش سن شوهر حساسیت زنان نسبت به بدن‌شان کاهش پیدا می‌کند. بُعد تعداد خواهر و برادر پاسخگو که نشان‌دهنده بُعد خانوار پدری می‌تواند باشد با تصویر بدن دارای رابطه مثبت است (جدول شماره ۹).

از سوی دیگر متغیرهای نظری این تحقیق منهای استفاده از وسایل ارتباط جمعی پیشین تمامی با تصویر بدن دارای رابطه معنی‌دار و مثبتی هستند (جدول شماره ۱۰). مطالعه هس بیبر و همکارانش در فیجی (۲۰۰۴) بیانگر تأثیر جهانی شدن بر دختران جوان بود. همچنانکه مطالعات سوامی و همکارانش (Swami, et al., 2008)، بوتتا و همکارانش (Botta, 2003) پتری و

در بین سکونتگاه‌های مختلف بود (Sotoudeh et al., 2008; Khorshid et al., 2007).

مطالعات پیشین به بررسی تصویر بدن در بین زنان و یا دختران پرداخته و یا زنان و مردان را مورد مقایسه قرار داده‌اند. خورشیدن و همکارانش بین وضعیت تأهل و تصور بدن رابطه یافته‌اند اما آنها به مقایسه زنان متأهل و مطلقه پرداخته‌اند. در تحقیق آنها زنان مطلقه میانگین نمره بالاتری داشته‌اند (Khorshid et al., 2007).

در این تحقیق زنان و دختران مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. مطالعه نشان داد که افراد مجرد دارای میانگین بیشتری در خصوص تصور از بدن نسبت به زنان متأهل بودند. این امر می‌تواند از عوامل مختلفی ناشی شود که هر یک می‌توانند مورد تحقیق مستقل قرار گیرند.

نخست آنکه فرآیند جهانی‌شدن فرهنگی در یکی دو دهه گذشته و بخصوص با ورود فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوینی همچون اینترنت و ماهواره در ایران تأثیر بسزایی داشته است (خواجه‌نوری، ۱۳۸۵) و افراد مجرد به دلیل جوان‌تر بودن بیشتر در معرض آن قرار گرفته و استقبال بیشتری از آن نموده‌اند.

دوم اینکه با گسترش توجه به بدن در جامعه، و با عنایت به اینکه بدن به عنوان یک رسانه نیز تلقی می‌شود (آزاد ارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱) احتمالاً دختران جوان مجرد بیشتر به نسبت به بدن خود حساس هستند تا زنان متأهل.

دارای رابطه بوده است که خود این امر به نحوی اشاره به تأثیر خانواده را بر روی تصور بدن افراد دارد.

در تحقیقات پیشین نیز بر تأثیرات خانواده اشاره داشته‌اند (Levinston et al., 1986; Attie & Brooks-Gunn, 1989; Archibald et al., 1999; Haworth-Hoeppner, 2000).

بطور کلی رابطه کلی مدل رگرسیونی با حضور شش متغیر نوگرایی، آگاهی نسبت به جهانی‌شدن، شیوه زندگی، گفتگو در خانواده، سرمایه فرهنگی و وضعیت تأهل با متغیر تصویر بدن نسبتاً قوی ($R = ۰/۶۲۵$) و قدرت تبیین مدل در پیش‌بینی تغییرات متغیر فوق نزدیک به ۴۰ درصد بوده است ($R^2 = ۰/۳۹$).

منابع

- ۱- آزاد ارمکی، ت. و چاوشیان، ح. (۱۳۸۱). بدن به مثابه رسانه هویت، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴، صص. ۵۷-۷۵.
- ۲- انجمن پزشکی بریتانیا (۱۳۸۲). بیماری‌های زنان، راهنمای پزشکی خانواده، ترجمه منصوره داوری، تهران: نشر سنبله.
- ۳- رابرتسون، ر. (۱۳۸۲). جهانی‌شدن، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
- ۴- زاهد، س. و خواجه‌نوری، ب. (۱۳۸۴). جنبش زنان در ایران، شیراز انتشارات مرغ سلیمان.

همکارانش (Petrie et al., 1996)، نمراف و همکارانش (Nemeroff et al., 1994)، ویزمن و همکارانش (Wiseman et al., 1992)، گارنر و همکارانش (Garner et al., 1980) و همچنین همگی بر نقش رسانه‌ها در تصور بدن تأکید داشته‌اند.

در مطالعه حاضر نوگرایی، آگاهی نسبت به جهانی‌شدن، استفاده از ICT شیوه زندگی، همگی با تصور بدن رابطه داشته‌اند اما استفاده از وسایل ارتباط جمعی پیشین همچون رادیو و تلویزیون داخلی، روزنامه‌ها و مجلات دارای رابطه معنی‌داری با تصور بدن نبوده‌اند.

از آنجا که این وسایل تحت نظارت و مدیریت سازمان‌های دولتی و رسمی هستند و نمی‌توانند از خطوط کلی فرهنگی رسمی حاکمیت عدول کنند، لذا احتمالاً تأثیرگذاری چندانی بر روی تصور بدن نداشته‌اند. ولی رسانه‌هایی که بیشتر بُعد جهانی داشته و تأثیرگذاری بر آنها توسط دولت و نهادهای رسمی‌ای که وظایف فرهنگی را بر عهده دارند، چندان نیست، تأثیرات مهمی بر تصور بدن بویژه افراد جوان گذاشته‌اند.

در مطالعات پیشین بر رابطه سطح تحصیلات و تصور بدن تأکید داشته‌اند (آزاد ارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱؛ Khorshid et al., 2007). در مطالعه حاضر سرمایه فرهنگی هر فرد که متشکل از تحصیلات خودش، شوهر و والدینش در نظر گرفته شده است، با تصور بدن وی

- 13- Botta, R.A. (2003) "For Your Health? The relationship between magazine reading and adolescents' body image and eating disturbances", *Sex Roles*, Vol. 48, Nos. 9/10, pp. 389-399.
- 14- Cash, T.F., Counts. B., & Huffine, C. E. (1990). "current and vestigial effects of overweight among women: Fear of fat, attitudinal body image, and eating behaviors", *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, Vol. 12, No. 2, pp. 157-167.
- 15- Cohen, L., Adler, N. (1992). "Female and male perception s of ideal body imageshapes :Distorted views among Caucasian college students.", *Psychology of Women Quarterly*, Vol. 16, pp. 69-79.
- 16- Coleman, J.S. (1988). " Social capital in the creation of human capital", *American Journal of Sociology*, Vol. 94, S95- S121.
- 17- Dale, R. (1999). Specifying Globalization effects on National Policy: a Focus on the Mechanisms, *J. Education Policy*, Vol. 14, No. 1, pp. 1-17.
- 18- Davies, E., & Furnham, A. (1986). " The dieting and body shape concerns of adolescent females.", *Journal of Child Psychology and psychiatry*, Vol 27, pp. 417-428.
- 19- Dawyer, J.T., Feldman, J.J., & Mayer, J. (1967). "Adolescent dieters: Who are they? *American Journal of Clinical Nutrition*, Vol. 24, No. 10, pp. 1045-1056.
- 20- Ferron, Christine (1997). " Body image in adolescence: cross-cultural research-results of the preliminary phase of a quantitative survey" *Adolescence*, Vol. 32, No. 127, pp. 735-745.
- 21- Garner, D., & Garfinkel, P. (1980). "Socio-cultural factors in the development of anorexia nervosa." *Psychological Medicine*, Vol. 10, pp. 647-656.
- 22- Garner, D., & Kearney-Cooke, A. (1996). "Body image 1996." *Psychology Today*, Vol. 29, pp. 55-56.
- 23- Garner, D., , Garfinkel, P., Schwartz, D., & Thompson, M. (1980). "Cultural expectations of
- ۵- خواجه‌نوری، ب. (۱۳۸۵). بررسی رابطه مؤلفه‌های جهانی شدن و مشارکت اجتماعی زنان، مطالعه موردی: تهران، شیراز و استهبان"، رساله دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
- ۶- گیدنز، آ. (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- ۷- گیدنز، آ. (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- ۸- مقدس، ع.ا. و خواجه‌نوری، ب. (۱۳۸۴). جهانی‌شدن و تغییر هویت اجتماعی زنان، بررسی موردی دو شهر شیراز و استهبان، مجله مطالعات زنان، سال سوم، شماره ۷، صص. ۳۲-۵.
- 9- Anderson-Fye, E. P. (2003). "Never leave yourself: Ethnopsychology as mediator of psychological globalization among Belizean schoolingirls", *Ethos*, Vol. 3, No. 1, pp. 59-94.
- 10- Archibald, A. B., Graber, J. A., & Brooks-Gunn, J. (1999). "Associations among parent-adolescent relationships, pubertal growth, dieting, and body image in young adolescent girls: A short – term longitudinal study.", *Journal of Research on Adolescence*, Vol. 9, pp. 395-415.
- 11- Attie, I., & Brooks-Gunn, J. (1989). Development of eating problems in adolescent girls:A longitudinal study.", *Developmental Psychology*, Vol. 25, pp. 70-79.
- 12- Bahram, A. & Shafizadeh, M. (2006). " A comparative and corrolational study of the body-image in active and inactive adults and with body composition and soatotype", *Journal of Applied Sciences*, Vol.6 (11), pp. 2456-2460.

- 34- Khorshid, L., Eşer, İ, Denat, Y. & Cinar, Ş (2007). " An investigation into the body image of women in menopause", *International Journal of Human Sciences*, Vol. 4, Issue: 2, pp. 1-14.
- 35- Longman, L. (2003). " Culture, Identity and Hegemony: The Body in a Global Age.", *Current Sociology*, Vol. 51, No.3-4, pp. 223-247.
- 36- le Grange, D., Tibbs, J., & T. Noakes, (1994). "Implications of a diagnosis of anorexia nervosa in a ballet school.", *International Journal of Eating Disorders* 15: 369-376.
- 37- Levinson, R., Powell, B. & Steelman, L.C. (1986). " Social location, significant others and body image among adolescents.", *Social Psychology Quarterly*, Vol. 49, No. 4., pp. 330-337.
- 38- Lin, N. (2001). *Social Capital: A Theory of Social Structure and Action*, Cambridge University Press, New York, p. 22.
- 39- Loosemore, D.J., Mable, H.M., & Galgan, W.D. (1989). "Body image disturbance in selected groups of men", *Psychology: A journal of Human Behavior*, Vol. 26, No. 2-3, pp. 56-58.
- 40- Mittlman, J. H. (2000). " Globalization: Captors and captive.", *Third World Quarterly*, Vol. 21, No. 6, pp. 917-929.
- 41- Nemeroff, C. J., Stein, R. I., Diehl, N. S., & Smilack, K. M. (1994). "Frpm the Cleavers to the Clintons: Role choices and body orientation as reflected in magazine articlecontent." *International Journal of Eating Disorders*, Vol. 16, pp. 167-176.
- 42- Petrie, T. A., Austin, L. J., Crowley, B. J., Helmcamp, A., Johnson, C. E., Lester, R., Rogers, R. Turner, J., & Walbrick, K. (1996). " Sociocultural expectations of attractiveness for males.", *Sex Roles*, Vol. 35, pp. 581-602.
- 43- Pliner, P., Chaiken, S., & Flett, G. (1990). "Gender differences in concern with body weight and physical appearance over the life span.", *Personality and Social psychology*, 16: 263-273.
- Rantanen, T. (2005). *The Media and Globalization*, London: Sage.
- thinness in women." *Psychological Report*, 47: 483-491.
- 24- Glazer, R.N. (1992). " Women's body image and law.", *Duke Law Journal*, Vol. 43, No. 1, pp. 113-147.
- 25- Grogan, S. (1999). *Body Image: Understanding body dissatisfaction in men, women and children*, London: Routledge.
- 26- Hargreaves, D., tiggemann, M. (2006). " Body image is for girls: A qualitative study of boys' body image.", *Journal of Health Psychology*, Vol. 11, No. 4, pp. 567-576.
- 27- Haworth-Hoeppner, Susan (2000). "The critical shapes of body image: The role of culture and family in the production of eating disorders", *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 62, pp. 212-227.
- 28- Hesse-Biber, S. N., Howling, S. A., Leavy, P., Lovejoy, M. (2004). " Racial Identity and the Development of Body Image Issues among African American Adolescent Girls.", *The Qualitative Report*, Vol. 9, No.1, pp. 49-79.
- 29- Hongladarom, S. (2002). "The Web of time and the dilemma of globalization." *The Information Society*, 18: 241-249.
- 30- Johnson, M., Brems, C., & Fischer, P. (1996). "Sex role conflict, social desirability, and eating-disorder attitudes and behaviors." *The Journal of General Psychology*, 123: 75-87.
- 31- Joliot, A.E. (2001). " A Comparative study of body image satisfaction and attitudes among American, Israeli, Spanish, and Brazilian college women", *Issertation Abstracts International: Section B: 32- The Sciences & Enginnering*, Vol. 61, 55-67.
- Jung, J., & Lennon, S. J. (2003). *Body image, appearance self-schema, and media images*. *Family and Consumer Sciences Research Journal*, 32,1, 27-51.
- 33- Katzman, M. A., Lee, S. (1997). "Beyond Body Image: The Integration of Feminist and Transcultural Theories in the Understanding of Self Starvation.", *John Wiley & Sons*.

examination of mediating mechanisms. *Journal of Abnormal Psychology*, 103: 836-840.

51- Swami, V., Hadji-Michael, M., Furnham, A. (2008). "Personality and individual correlates of positive body image", *Body Image*, in press, pp. 1-4.

52- Swidler, A. (1986). *Culture in action: Symbols and strategies*. *American Sociological Review*, 51: 273-286.

53- Tsiantas, G., & King, R.M. (2001). "Similarities in body image in sisters: The role of sociocultural internalization and social comparison", *Eating Disorders*, Vol. 9pp. 141-158.

54- Turner, S., Hamilton, H., Jacobs, M., Angood, L., & Hove Dwyer, D. (1997). "The influence of fashion magazines on the body image satisfaction of college women: An exploratory analysis." *Adolescence*, 32: 603-614.

55- Waters, M. (2001). *Globalization*. London: Routledge.

56- Wiseman, C., Gray, J., Mosimann, J., & Anthony Ahrens, A. (1992). "Cultural expectations of thinness in women: An update." *International journal of Eating Disorders*, 11: 85-89.

44- Rieves, L. & Cash, T.F. (1996). "Social developmental factors & women body image attitudes" *Journal of Social Behavior and Personality*, Vol. 11, pp. 63-78.

45- Robson, E. (2000). "Wife seduction and the spatial praxis of gender ideology in Nigerian husband.", *Gender, Place and Culture*, Vol. 7, No. , pp. 179-199.

46- Rodin, J., Silberstein, L., & Striegel-Moore, R. (1985). "Women and weight: A normative discontent ." *Nebraska Symposium on Motivation: Vol. 32 Psychology and Gender* (pp. 267-307). Lincoln: University of Nebraska Press.

47- Sotoudeh, G., Khosravi, S., Karbakhsh, Khajehnasiri, F. & Khalkhali, H.R. (2008). "What women think about their husbands' Opinions might influence women's body image: An explorative study", *Indian J Med Sci*, Vol. 62, No. 3, pp. 98-104.

48- Steiner-Adair, C. (1986). "The body politic: Normal female adolescent development of eating disorders;" *Journal of American Academy of Psychoanalysis*, 14: 95-114.

49- Stregel-Moor, R., & Silberstein, L. (1985). "Toward an understanding of risk factors for bulimia.", *American Psychologist*, Vo. 41, No. 7, pp 209-217.

50- Strice, E., Schupak-Neuberg, E., Shaw, H., & Stein, R. (1994). Relation of media exposure to eating disorder symptomatology: An